

معاونینی که مدح رییس جمهور می گفتند

# تملق‌گویی دولتمردان؛ آفت سیاست‌ورزی



توسط مجریان رسانه‌ها، واکنش‌های تند مردمی نشان می‌دهد که جامعه ایران امروز، دیگر پذیرای چنین سبک مدیریتی نیست و خواستار شفافیت و صداقت است. محمد رضا رحیمی در دولت دوم هاشمی رفسنجانی استاندار بود. مانند خود احمدی نژاد که استاندار اردبیل بود. با تشکیل مجلس هفتم اما رییس این مجلس محمد رضا رحیمی را به ریاست دیوان محاسبات منصوب کرد. روز چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۸۵ دیوان محاسبات به ریاست محمد رضا رحیمی میزبان محمود احمدی نژاد بود که کمتر از یک سال قبل به ریاست جمهوری رسیده بود. احمدی نژاد به نشان سوگ پدر لباس مشکی بر تن داشت. محمد رضا رحیمی در دومین روز گردهمایی مدیران دیوان پشت تربیون رفت و چنین گفت: « سال گذشته همایش را دکتر حداد عادل افتتاح کرد. همان جا گفتم سال بعد و در دولت جدید با تخلفات کمتری رو به رو می شویم. امسال هم در خدمت شما آمار نمی دهم چون در دولت شما که پر از وزرای کاردان و پاکدامن است تخلفات به شدت کاهش می یابد. دیوان خود را موظف می داند با دولت همکاری کند. وجود شما را مغتنم می دانیم و فرض می کنیم پاره ای از دولت شما هستیم.» دیوانی که نقش نظارتی برای آن تعریف شده و رییس آن از جانب قوه مقننه ماموریت می یابد خود را «پاره ای از دولت» توصیف کرد و آمار هم نداد چون پیشاپیش به پاکدامنی وزیران آن رای داده بود. رحیمی به این هم بسنده نکرد و آن عبارت مشهور را در همین همایش و همان روز گفت:«در سوریه یک مسلمان گفت اگر بنا بود بعد از پیامبر اسلام پیامبر دگری بیاید می گفتم آن پیامبر احمدی نژاد است.»

جزییات سفر لاریجانی به عراق و لبنان

### از تدوین توافقنامه امنیتی تا توسعه روابط تجاری

دبیر شورای عالی امنیت ملی پیش از عزیمت به عراق و لبنان از امضای یک توافقنامه امنیتی مهم میان ایران و عراق خبر داد و گفت: این سفر در دو بخش انجام می‌شود.

علی لاریجانی پیش از عزیمت به عراق و لبنان درباره اهداف سفرش گفت: این سفر دو بخش دارد، بخش اول در عراق هست؛ عراق کشور دوست و همسایه ماست و روابط تجاری سطح بالایی با این کشور داریم. او افزود: همکاری ها دو ملت در سطح بسیار خوبی است که نمونه آن اربعین است و پیشاپیش از دولت این کشور تشکر می‌کنیم که در زمینه اربعین همکاری‌های خیلی خوبی برای زائرین دارند.

**تدوین توافقنامه امنیتی با عراق** به گزارش ایسنا، لاریجانی ادامه داد: ما یک توافقنامه امنیتی را با عراق تدوین کرده‌ایم که خیلی نقطه مهمی است. نگاه ایران و سبک ایران در روابط با همسایگان این گونه است که امنیت ایرانیان برایش نقطه اصلی است ولی در ضمن، توجه به امنیت همسایگان هم دارد و مثل برخی از کشورها نیست که فقط امنیت را برای خودشان می‌دانند و دیگر ملت‌ها را در منطقه له کردند. این یک نوع رفتار است و در همین سفر این توافقنامه امضا خواهد شد. وی افزود : دوستان زیادی که در عراق حضور دارند از جریان های مختلف ملاقات هایی خواهیم داشت، نظرات آنها را می‌شنویم و نظراتی که در زمینه همکاری‌های دوجانبه است را با آنها مطرح خواهیم کرد.

**لبنان یکی از کشورهای بسیار مهم در منطقه است**

دبیر شورای عالی امنیت ملی قسمت دوم این سفر را لبنان عنوان کرد و گفت: لبنان یکی از کشورهای بسیار مهم در منطقه و

تملق‌گویی در اطرافیان احمدی نژاد البته امری ملموس و رایج بود. یکی از معروف ترین این تملق ها کتابی بود که همسر غلامحسین الهام از چهره های بسیار نزدیک به احمدی نژاد در مدح او نوشت.

**جامعه امروز بیشتر از هر زمانی نیاز به حقیقت‌گویی دارد**

ارزیابی مدیران باید بر اساس عملکرد واقعی و نظرسنجی‌های مستقل صورت گیرد، نه صرفاً رضایت مقامات بالا دستی در دستور کار قرار بگیرد. و همچنین رسانه ها وظیفه دارند تحلیل گر باشند و چهره واقعی عملکرد ها را به مردم نشان دهد.از لحاظ فرهنگی و اجتماعی نیز باید صداقت و شجاعت در بیان حقیقت را به عنوان یک فضیلت در جامعه تقویت کرد و تملق را تقبیح نمود. زمانی که تملق جایگزین انتقاد سازنده می‌شود مدیران بر اساس واقعیت‌ها انتخاب نمی‌شوند و افراد بی‌لیاقت و ناکارآمد به جایگاه‌های مهم منصوب می‌شوند. تملق گویی اعتماد عمومی را تضعیف می‌کند و فساد را در جامعه رشد می‌دهد.مدیرانی که به تملق‌گویی عادت می‌کنند هرگز نمی‌توانند واقعیت ها را ببینند؛ به همین دلیل تصمیمات اشتباهی می‌گیرند.

مقابله با تملق یک پروژه فرهنگی و ساختاری است. در ادامه به ۲ راهکار اشاره می‌کنیم تا بتوانیم تملق را مهار و یا از بین ببریم:

۱- ایجاد نظام ارزیابی مبتنی بر شاخص های واقعی، می‌تواند مسیر تملق را از پیشرفت جدا کند.

۲-هر مدیر و مسئول باید خودش را در برابر مردم مسئول بداند و از پذیرش تملق حتی ظاهری پرهیز کند.

تملق، شاید در کوتاه‌مدت رضایت برخی مقامات را جلب کند، اما در بلندمدت نه‌تنها بنیان شایسته‌سالاری را متزلزل می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به نظام سیاسی را نیز فرسوده می‌کند. در شرایط ناسازم امروز، جامعه بیش از هر زمان نیازمند حقیقت‌گویی، شفافیت و صداقت در گفتار و رفتار مسئولان است.



خاص جنگی در به لبنان به این کشور سفر می‌کنید، گفت: لبنان تاریخ طولانی در این مسایل داشته و اخیرا هم درگیری سنگینی با رژیم صهیونیستی داشته مثل خود ما که داشتیم، بنابر این همیشه این گفت‌وگوها می‌تواند برای ایجاد ثبات در منطقه موثر باشد.

تحولات اخیر در سطوح عالی شورای عالی امنیت ملی، با مطرح شدن نام علی لاریجانی به‌عنوان گزینه دبیری این شورا و احیای «شورای دفاع» پس از ۳۵ سال، نشانه‌ای از تغییر رویکرد در سیاست‌گذاری امنیتی و دیپلماتیک ایران تلقی می‌شود. این تغییرات می‌تواند معادلات دیپلماسی کشور را بازتعریف کرده و پیامدهای مهمی در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی به همراه داشته باشد.

علی لاریجانی که در ۱۴ مرداد با حکم مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری به دبیری شعام منصوب شد، پیش از این در آبان سال گذشته به عنوان نماینده ویژه رهبری، پیام‌هایی را به مقامات ارشد سوریه و لبنان ابلاغ کرده بود.

## سخن نخست

### نقش عشق بر بوم ایران ؛ یاد استاد فرشچیان، نگهبان هنر و میهن

ادامه از صفحه یک

در میان شیعیان جهان، محبوبیتی اما ویژه داشت که تنها بزرگان تاریخ نصیبشان می‌شود. خانه‌ها، حسینیه‌ها و دل‌ها، همه پر از یاد و نام او بود. در میانه این همه، «عصر عاشورا» همچون پرچمی برافراشته بود؛ نه تنها تصویری از یک واقعه تاریخی، که پلی میان فرهنگ ایران و تشیع با فلسفه خوینن کرد. آن تابلو، فریادی خاموش بود که از اعماق ایمان برخاست، روایتی که با قلم، اما به زبان اشک و عشق نوشته شد.

استاد خود گفته بود آن روز، در خلوت خانه، دستش بی‌آنکه اراده کند، قلم را به حرکت درآورد. آنچه بر بوم نشست، بی‌هیچ تغییر، همان شد که امروز نیز پیش چشم ماست؛ تصویری که مرکز آن، خالی از حضور امام حسین(ع) است، تا سوگ، سنگین‌تر و غیبت، سوزناک‌تر شود.

هنر او نه در قاب دیوار که در دل‌ها جا گرفت. ضریح امام حسین(ع) را به طلا و نگار آراست و دل شیعیان را به وجد آورد.

شانس من برای مهاجرت چند درصد؟ (فوم را پر کنید تا دقیق بگوییم!)

نقش عشق بر بوم ایران ؛ یاد استاد فرشچیان، نگهبان هنر و میهن در میان برجسته‌ترین جراحان قلب آمریکا، زمانی که نفس زندگی‌اش به تنگ آمد و دلش دردمند از نیاز به تیغ جراحی بود، بی‌درنگ به حضرت رضا علیه‌السلام، آن امام مهربانی‌ها، در مشهد مقدس پناه برد. به مدد عنایت و کرامت آن امام رؤف، معجزه‌ای رخ داد و بدون هیچ جراحی، دلش به سلامت رسید. تابیلوی ماندگار «ضامن آهو» و طراحی و ساخت ضریح مطهر امام رضا (ع)، آینه‌ای تابناک از ثمرات عمر پر برکت و آکنده از عشق و معرفت اوست؛ مکاشفات روحانی و خواب‌هایی در پی‌اش از حضرت رضا (ع)، شاهی بر دلبنسنگی عمیق اش به آن امام مهربان بود.

بارها در پی آن بودم که در کشوری از حوزه خلیج فارس، که محل مأوریتم بود، برایش بزرگداشتی بین‌المللی برپا کنم؛ میزبان، این افتخار را سخت مغتنم می‌شمرد، اما تواضع استاد اجازه نداد. هنوز چهره مرزبانان لبنانی را به یاد دارم که در گذر از مرز سوریه، با شوقی کودکانه، خواستار پوستر یا نسخه‌ای از آثارش بودند.

نقش عشق بر بوم ایران ؛ یاد استاد فرشچیان، نگهبان هنر و میهن استاد تنها نقاشی زبردست بر بوم نبود؛ او بوم جان‌ها را نیز نقاشی می‌کرد. در روزگار فشار و غربت، بی‌هیچ لغزشی، بر عشقش به «ایران» پای فشرده. پیوندش با جانبازان و ایثارگران، صحنه‌هایی آفرید که دیدنش بغض را در گلوی هر بیننده می‌نشاند؛ مانند آن روز که در جمع جانبازان نابینا در خرداد ۱۳۹۰، سخن را به اشک سپرد و در رونمایی از «جانابان دو چشم نابینا» گفت: «من دست شما را می‌بوسم؛ استقلال این سرزمین، مرهون شماست.»

آن تابلو، تصویری از جوانی بود که دو چشم خویش را به راه خدا داده، اما سیمایش از نور الهی لبریز بود. استاد می‌گفت: «این نور، همان نور خداست که از عمق جان جانبازان می‌تابد و جهان را روشن می‌کند.»

نقش عشق بر بوم ایران ؛ یاد استاد فرشچیان، نگهبان هنر و میهن من هرگز بهمن ۱۳۸۳ را هم فراموش نمی‌کنم، که نخستین کنگره ملی تجلیل از ایثارگران را برپا کردم. استاد به دلیل حضور در آمریکا نیامد، اما تصویر زنده‌اش بر پرده، همه سالن را گرم کرد؛ گویی خود، از هزاران کیلومتر آن سوتر، روحش را به جمع آورده بود.

امروز که او در میان ما نیست، تنها آثارش مانده است و یادش، که همچون شمعی، راه فرهنگ و ایمان را روشن نگاه می‌دارد. استاد محمود فرشچیان، نه فقط چهره ماندگار مینباتور ایران، که تجسم فرهنگ، اخلاق، شکوه و ایمان یک ملت بود. او رفت، اما قلمش بر بوم جاودانگی کشیده شد، و این نقش، هرگز رنگ نخواهد باخت.

یادش گرمای باد ....

## اخبار

### واقعا هیچکس در دولت، لوابح را نمی‌خواند؟

لایحه «مقابله با انتشار محتوای خبری خلاف واقع در فضای مجازی»، چگونگی پدیدارشدن و چگونگی پس‌گرفته‌شدن آن، هنوز جای بحث زیادی دارد.

اخیرا آقای دکتر یوسف پزشکیان (فرزند محترم رئیس‌جمهور) یادداشتی را منتشر کرده و در آن توضیح می‌دهد این لایحه چگونه سینه‌خیز ۹ لایه سیم خاردار دفاعی هیئت دولت را رد کرده و به امضای رئیس‌جمهور رسیده است.

به گزارش خبرنگران روزنامه شرق نوشت:در حقیقت، وزارت ارشاد و معاون مطبوعاتی آن، وزارت ارتباطات، وزارت دادگستری، معاونت حقوقی، معاونت پارلمانی، کمیسیون ویژه هیئت دولت، خود هیئت دولت و بالاخره معاون رئیس‌جمهور و خود رئیس‌جمهور، یکی پس از دیگری رو دست خوردند و لایحه از زیر دست آنها رد شد، آن هم با دو فوریت.

داستان شبیه آن است که یک تیم فوتبال داخل زمین خشکش بزند و بازیکن حریف یکی پس از دیگری همه را درپیل بزند و آخر دست توی دهانه دروازه با روالی متفاوت، متوقف شود. آقای رئیس‌جمهور شبیه دروازه‌بانی عمل کرد که مجبور است تاوان بی‌توجهی و خطای تیمش را بدهد و پناثلی را بگیرد. همه از گرفتن پناثلی خوشحال شدیم و برای دروازه‌بان هورا کشیدیم؛ اما چه شد که توپ از آن سوی میدان تا این سوی میدان بدون هیچ مقاومتی مسیر را طی کرد؟

نوشته قابل تأمل دکتر یوسف پزشکیان گویای بلیه‌ای است که از دیرباز گریبان مدیریت کشور را گرفته است. در یک کلمه، گویا مدیران کشور وقت برای اداره کشور ندارند (لفظا این جمله را دوباره بخوانید). پس چه می‌کنند این مدیران عزیز؟ عرض می‌کنم. بخش زیادی از وقتشان را در مراسم‌های مختلف طی می‌کنند. منکر ضرورت برخی مراسم‌ها که جریان‌سازی مثبت دارند نیستم، اما کشور بدجوری گرفتار رفتارهای ظاهری شده است. در این زمینه بعدها خواهم نوشت.

بخش دیگری از وقت مدیران به حل‌وفصل روزمرگی‌ها (با تشدید ر) می‌گذرد. شنبه می‌شود پنجشنبه و هفته تمام می‌شود و می‌بینی که وقت وزیر و معاونانش طی هفته صرف رفع مشکلی شده که یکی از مدیران کل هم می‌توانست آن را حل کند. مدیران محترم خودشان خوب می‌دانند که چقدر از تکالیف قانونی مربوط به تهیه آیین‌نامه‌ها و شیونه‌نامه‌های کلیدی ماهه بر زمین می‌ماند و کار به دقیقه ۹۰ می‌رسد، در حالی که آنها تمام انرژی کاری‌شان را برای امور روزمره تلف کرده‌اند.

جلسات مهم و تعیین‌کننده از مدیرانی تشکیل می‌شود که هرکدام یک بغل پرونده امضایی با خودشان آورده‌اند تا در جلسه امضا کنند یا شبیه چنین چیزی را در رایانه‌های قابل حمل با خود آورده‌اند. چند دقیقه یک بار سرشان را بالا می‌آورند ببینند چه خبر است و دوباره برمی‌گردند سر وقت کبابی‌ها که با خودشان آورده‌اند. از اینکه کار را به مدیران زبردست بسپارند واهمه دارند اما از اینکه رودستی شبیه ماجرای لایحه مقابله بخورند ظاهرا تصویری ندارند.

از آن طرف هم که احزاب یا تعطیل‌اند یا حواسشان به مسائل محدود مورد علاقه خودشان است. اگر احزابی داشتیم که چشم بیدار ملت بودند و دست آنها برای رصد دستگذاها باز بود، چرا باید سه سال از طرح یک موضوع مهم بگذرد و در آخرین گام که لایحه دوفوریتی به مجلس می‌رسد صدای آنها درآید؟ در هر صورت این دفعه دروازه‌بان پناثلی را گرفت؛ اما خوب است از ابتدا یارگیری‌ها درست باشد تا رکب نخوریم.